

متن پرسش

سلام علیکم: دو مطلب اخیراً حضرتعالی مطرح کردید که نگران کننده است. از همه توقع انحراف داشتیم الا شما. یک تنزیه خلیفه ثانی و دو تشبیه روحانی بدیشان. جایگاه خلیفه برای شیعه همیشه روشن بوده حسب فرموده یکی از علمای بزرگ شهر ما وضعیتش حتی از شیطان نیز بدتر است بحث تقیه فقط در حد لعن علنی نکردن است نه این که به حوزه اعتقادات هم تسری کند و در زمینه روایاتی که در مورد کفر ایشان وارد شده و شما گفتید با روایات دیگر تعارض می یابد و نباید قبول کرد واقعا شما چه دانش روایی و اصولی دارید که وارد این مسائل دقیقه می شوید؟ شما دلیل معمم نشدن خود را نداشتن دانش فقهی می دانید چگونه وارد تفقه در این مسائل می شوید نمی دانم. در صورتی که واضح است اسلام کسی که با زهرای اطهر آن کرد که کرد و رسول را هذیان گو خواند در چه وضعیست. در مورد آقای روحانی هم فووقش ایشان انقلاب را به گونه ای متفاوت از شما می اندیشد واقعا جفای بزرگی در حقش کردید. اصلاً تفسیر خود شما از انقلاب را که گفته صحیح است وقتی امام راحل فرمودند با سینما مخالف نیستیم با فحشا مخالفیم یعنی خط بطلان بر جریان های دیگری و فردیدی ها چون تز شما اینست که با سینما مخالفیم و استفاده کنونی از آن اکل میته است. عصمنا الله من الزلل لطفاً حتماً در سایت بگذارید ولو با سانسور بخشهایی از سوال تا روشنگری نسبت به شما صورت بگیرد که در قالب انقلابی گری با اندیشه های های دیگر هیتلری و فردید چگونه انقلاب را مسخ می کنید؟ جسارت مرا ببخشید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در مورد خلفا به معنای عدم اطاعت از پیامبر هیچ بحثی نیست. فکر نمیکنم جسارتی که خلیفه دوم به حضرت زهرای مرضیه «سلام الله علیها» کرد، کس دیگری حاضر باشد چنین بکند. ولی بحث دیگری در میان است و آن آیا اینان به گمان خودشان به وحیی که بر پیامبر و پیامبران قبلی می شد، اعتقاد و ایمان داشتند؟ و یا منافقانه عمل می کردند، بدین معنا که اساساً نه وحی را پذیرفته بودند و نه نبوت رسول خدا «صلوات الله علیه و آله» را. آیهی ۶۰ سورهی نساء می فرماید: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَ مَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَ قَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَ يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا» که در این آیه نظر به کسانی دارد که از یک طرف گمان می کنند به وحی الهی ایمان دارند و از طرف دیگر داوروری ها را به طاغوت ارجاع می دهند، با این که امر شده اند که به طاغوت کفر بورزند. می فرماید شیطان در تلاش

است که اینان را گمراه کند، آن‌هم گمراهی شدیدی. و در آیه‌ی بعدی بحث این‌که منافقین در این جریان فعال‌اند را به میان می‌کشد، نه آن‌که آنان را منافق بداند. و به نظر ما خلفا از این جنس‌اند که در عین پذیرفتن نبوتِ نبی، اطاعت از او را قبول ندارند.

در مورد نگاه‌های دیگر، اگر مطالعاتی داشتید ایشان را در کنار هیتلر قرار نمی‌دادید و از جناب فردید که همه‌ی تلاش اوست تا انقلاب اسلامی را با زبان تفکر فلسفی معنا کند، بد نمی‌گفتید. که البته بحث آن طولانی است و به نظرم فضای صحبت چون فضایِ مرء و جدال است، بهتر است که بنده ورود نداشته باشم. بحث نسبتاً مفصلی تحت عنوان «محکمت و متشابهات فردید» داشته‌ام که در قسمت «یادداشت ویژه» سایت می‌توانید آن را دنبال کنید. آیا از اطلاعاتِ عرفانی جناب فردید و علم «شرح الأسمایی» او آگاهی دارید؟ کتاب «حکمت اُنسی» مرحوم معارف در این مورد، راهنمای خوبی است. موفق باشید